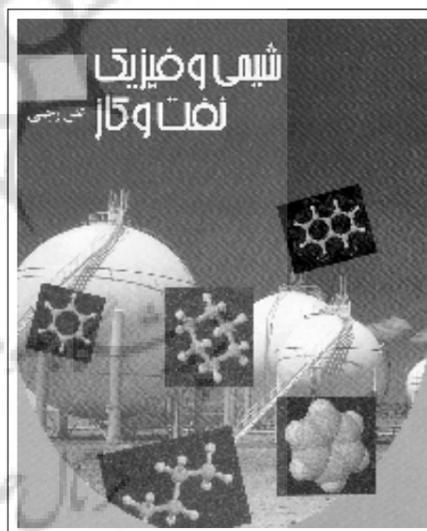


## چیزی میان تألیف درسی و ترجمه علمی

○ امید وهابی املشی



- عنوان کتاب: شیمی و فیزیک نفت و گاز
- نویسنده: تقی رجبی
- مدیر هنری: علی ابوالحسنی
- ناشر: خانه قلم
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹ (پخش ۱۳۸۰)
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۴۰ صفحه
- بها:

باید به تقی رجبی، علی ابوالحسنی و تمام تهیه‌کنندگان این مجموعه ده‌جلدی، آفرین گفت. تمام شرایط را اگر بسنجیم و آن چیزهایی را که نمی‌توان باز کرد و به صورت مشروح به بیان درآورد، باید گفت: صدآفرین. موسسه خانه قلم، با همکاری روابط عمومی وزارت نفت، مجموعه کتابی برای بالا بردن سطح آگاهی عمومی، به‌ویژه نوجوانان، درباره نفت، پتروشیمی و گاز تدارک دیده است که ما به کتاب شیمی و فیزیک نفت و گاز آن می‌پردازیم. پیش از ورود به نقد مطالب، باید اشاره‌ای به صفحه‌آرایی، طرح‌ها و تصویرها و سازه‌های شکلی کتاب که بسیار شکیل و خوش‌ساختند داشته باشیم و این که ای کاش تهیه‌کنندگان کتاب‌های درسی، می‌توانستند چنین فضای مکتوب مطبوعی فراهم آورند که اجزای شکلی آن، به یکدیگر جواب بدهند و برای خواننده، امنیت خوانایی ایجاد کنند. البته، احتمالاً این کتاب‌ها برای گروهی از افراد که با امور مربوط به نفت و گاز ربط و پیوند کاری دارند نیز تدارک دیده شده است. حیف است که یک مجموعه فنی که وسعت و عظمت و اهمیت غیرقابل انکاری دارد، با افرادی صرفاً سیاسی اداری، فنی و یا مالی طرف بشود و آنها راهی به مبانی نظری و علمی نفت نداشته باشند. پس باید یک آفرین هم این‌جا گفت که ما این مجموعه را به سبب خطایی که به نوجوانان دارد، نقد می‌کنیم، در حالی که به گمانم اصل و ریشه وجود چنین کتاب‌هایی، رویکرد به عموم و همگان است.

بہتر است کہ من یک فہرست بہ این کتاب بیفزایم:

- ۱ - تاریخچه استفاده بشر از نفت
- ۲ - شیمی نفت و گاز
- منابع ترکیب کربن
- زغال سنگ
- نفت
- گازهای طبیعی
- بعضی از فرآورده‌های گیاهی و حیوانی
- هیدروکربن چیست؟
- شیمی نفت و گاز
- منشاء نفت و گاز و شکل‌گیری آنها
- ۳ - فیزیک نفت و گاز
- رنگ
- وزن مخصوص
- غلظت
- نقطه جوش و تقطیر
- فشار بخار
- گرانروی (ویسکوزیته)
- نقطه آنیلینی
- حلال بودن در آب

از این فہرست تفصیلی کتاب چہل صفحہ‌ای، حتماً بہ منظور من پی بردہ‌اید. لابد متوجہ کوتاہی گفتارہا و استفادہ بسیار از تصویر، در انتقال آموزہ‌ہا شدہ‌اید. زیباترین گفتار کتاب، بہ نظر من، قسمت نخستین و نہایی کتاب است. بہ عنوان مثال، آیا می‌دانید کہ: «در اغلب سوخت‌ہا مقداری آب وجود دارد. آب غیرمحلول را بہ سادگی می‌توان از سوخت جدا کرد، ولی جدا کردن آب محلول در سوخت، چندان آسان نیست.

برای جدا کردن آب، بیشتر از روش خنک کردن استفادہ می‌کنند. بہ این شکل کہ آن را از صافی‌ہای ویژہ‌ای عبور می‌دہند. البته، باز ہم ممکن است بخار آب موجود در ہوا، در سوخت حل شود. اگر در هنگام پرواز ہواپیما؛ آب سرد از سوخت جدا شود و بلورہای آن سوراخ‌ہای صافی را ببندد، بسیار خطرناک است برای جلوگیری از این خطر، ہمیشہ حرارت

صافی را روی ۵ درجه سانتی گراد تنظیم می کنند و هم چنین، از مواد ضدیخ استفاده می شود.» ص ۴۰.

یا این را که در قدیم «بعضی از مردم، قیر را مانند دارو به کار می بردند. یعنی ماده رقیق شده آن را مانند مرهم، روی زخم و روی جاهای دردناک بدن بیمار می مالیدند. این کار تا اندازه ای مفید بود. کمترین فایده ای که داشت، مگس ها و حشره های دیگر را از طرف بیمار دور می کرد. گاهی هم قیر را مانند داروی خوراکی می خوردند؛ زیرا اثر ملین داشت.» ص ۱۳. «در نزدیکی های بحرالامیت که دریاچه ای در غرب کشور اردن است، در گذشته، ته نشست قیر به قدری زیاد بود که رومی ها به این دریاچه، دریاچه آسفالتیت (Asphaltites)

می گفتند. این نام، از واژه لاتینی آسفالتوم (Asphaltum)، به معنی قیر گرفته شده است. قیر، ماده ای چسبنده است که در آب حل نمی شود و از نفوذ آب نیز جلوگیری می کند. در گذشته، وسایل چوبی را با قیر اندود می کردند و در نتیجه، آب در آنها نفوذ نمی کرد. برای همین، قیر در کشتی سازی استفاده می شد و اهمیت زیادی هم داشت. درز صفحه های چوبی کشتی را با قیر پر می کردند تا آب به درون کشتی نفوذ نکند. مصری ها در روزگاران باستان، چرخ ارابه ها را با نفتی که به سطح زمین می تراوید، روغنکاری می کردند. چینی ها نیز در روزگاران باستان، برای به دست آوردن نمک، چاه هایی می کنند که از بعضی از آنها نفت به دست می آمد.» ص ۱۱ و ۱۲

روغن سنگ می تواند زمینه ای باشد برای آموزش همگانی که بدانیم زندگی مان بسته به چه چیز است. چطور ما با تخریب محیط زیست و بر پایه و اساس نابودی زمین، خانه بنا می کنیم و تمدن برمی آوریم. بگذاریم کم کم و نم نم، از حس شرم همگانی، به سمت عزم همگانی تکان بخوریم، برویم تا به قول مدیران اقتصادی، تحرک و کار اجتماعی، سود افزوده داشته باشد. گردش کار و زندگی مان بهینه شود.

خلاصه، دست در جیب زمینی نکنیم و با عرق جبینی که البته، این بار فروریخته از شرم است، زندگی نکنیم. از خودمان خرج کنیم و به ارزش خودمان بیفزاییم. چه ایرادی دارد ما به این علت که می خواهیم کوشا تر باشیم، در چاه های نفت مان را بگذاریم. به جای روغن سنگ، از روغن مغزمان استفاده کنیم. آری، جز این، هر راهی که برویم، تباهی است. نفت، ثروت فسادانگیز جامعه ماست. نفت، برای درز گرفتن ها و روغن کاری ها و دور کردن حشرات و سرانجام، همان لینت مزاج فقط به درد می خورد؛ یعنی مصارف امنیتی، بهداشتی و خدمات آموزشی. همین! از من اگر پرسید، یک فایده دیگر هم می تواند داشته باشد: «اندیشیدن به چگونه نزدیک کردن لایه ها و طبقات جامعه.»

حیف است که نفت برای رفت و آمد، برای خورد و خوراک، برای پوشاک، برای گرمایش و سرانجام، برای تولید استفاده شود. اول اشتباه جهانی و تلقی نادرست جامعه بین الملل، این است که انرژی زندگی، از نیروهای طبیعی، مانند نیروی انسان و حیوان، به سمت نیروگاه ها و انرژی های هیدروکربنی رفت. این یعنی دود کردن زمین. از زمین کاستن و بر آسمان افزودن خرابی و تباهی زمین را سرعت دادن و آلودن و از میان بردن جو آن. بهتر است به فساد جامعه خودمان نگاهی بیفکنیم. اگر فساد را کمی بیشتر و بازتر بنگریم و آن را در چند جزء اخلاقیات تنگ نظرانه انتظار نکشیم، فقر و الباقی قصه، ریشه در نفت گرامی دارد.

من به علت محدود بودن و معدود بودن تألیف کتاب های علمی، برای کودکان و نوجوان، به این کتاب ها و پدیدآورندگان شان احترام می گذارم، اما سخنی دارم با ویراستار که آیا گمان نمی کند که نثر متن این کتاب، می توانست روان تر، خوش آهنگ تر و برای مخاطب نوجوان، خیال انگیز تر و فکرسازتر باشد؟

پیش از ورود به نقد مطالب، باید اشاره ای به صفحه آرایی طرح ها و تصویرها و سازه های شکلی کتاب که بسیار شکیل و خوش ساختند داشته باشیم و این که ای کاش تهیه کنندگان کتاب های درسی می توانستند چنین فضای مکتوب مطبوعی فراهم آورند که اجزای شکلی آن به یکدیگر جواب بدهند و برای خواننده امنیت خوانایی ایجاد کنند

نفت، ثروت فسادانگیز جامعه ماست. نفت، برای درز گرفتن ها و روغن کاری ها و دور کردن حشرات و سرانجام همان لینت مزاج فقط به درد می خورد؛ یعنی مصارف امنیتی، بهداشتی و خدمات آموزشی. همین! از من اگر پرسید، یک فایده دیگر هم می تواند داشته باشد: «اندیشیدن به چگونه نزدیک کردن لایه ها و طبقات جامعه»